

پس از پایان درس

من می توانم داستان حسنک کجایی را تعریف کنم و بگویم در اول
وسط و آخر داستان چه شده است
داستان را به صورت نمایشنامه بازی کنم
من می توانم چند اسم را که با افزودن ک به آخر آن مفهوم کوچک
پیدا میکند نام ببرم
من میتوانم با برخی از واژه های درس جمله بسازم



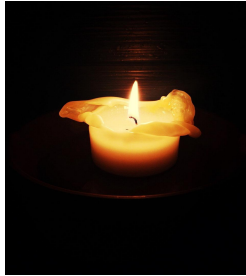




برخی از اسم ها با افزودن ک به آخر آن معنی کوچک آن می شود
پسر-----اتاق شهر

دختر
ملخک
شمعک
بالشتک
قاشقک

.....



حسنک کجایی

پایان روز نزدیک بود. نازی گاو قهوه ای رَنگ سرش را بالا آورد و صِدا گرد: ما ...
ما... ما مَن گرسنه ام حَسَنک کجایی؟



ما ما من گرسنه ام
حسنک کجایی؟

گوسفند سفید و پُر پشم نیز صِدا کرد بع ---بع...بع مَن گرسنه ام حسنک کجایی؟



بع بع مَن گرسنه ام
حسنک کجایی؟

بُز سیاه ریش خود را تِکان داد و صدا گرد مَع .. مَع مَع ... مَن گرسنه ام حَسَنک کجایی؟



مع مع من گرسنه ام
حسنک کجایی؟

مُرغ حَنایِ قَشَنگ دُنبال جوہ ہای زَر دَش راہ می رَفت وَ صِدا می کرد قَد قَد.... قَد قَد...
مَن گَر سَنہ ام حَسَنک کجایی؟



خروس رنگارنگ بال هایش را بهم می زد و با صدایی بلند خواند: قوقولی قوقو.... قوقولی قوقو
من گرسنه ام حسنک کجایی؟

قوقولی
قوقو
من گرسنه
ام حسنک
کجایی؟



خر که تا آن وقت چرت می زد سرش را بالا آورد و صدا
کرد :عر...عر..عر من گرسنه ام حسنک کجایی؟

عر عر عر من گرسنه ام
حسنک کجایی؟



در همین زمان صدای نمکی سگ باوفای خانه که بیرون نشسته بود بلند شد:
...واق... واق...واق... حسنک می آید. این قدر صدا نکنید به زودی می رسد



واق..واق..واق... حسنک
می آید این قدر صدا نکنید

حسنک دوان دوان آمد و یکسر پیش حیوان ها رفت و برای نازی سبزه ریخت و دستی
به سرش کشید نازی هم با تکان دادن سر شادی خود را نشان داد



حسنک به بز سیاه و گوسفند سفید سبزه داد. مشتی دانه پیش مرغ حنایی و جوجه هایش ریخت و کاسه‌ی آن‌ها را پر از آب کرد. خروس هم از بالای دیوار پایین پرید و همراه خانواده اش سرگرم خوردن دانه شد.

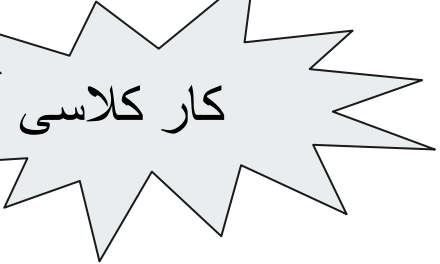


حسنک برای خر هم گاه ریخت و دستی به سر و گوشش کشید. خوراک نمکی را هم در ظرفش گذاشت. دیگر هیچ کدام از آن ها صدایی نمی کردند



حسنک از تماشای خوردن حیوان ها خوشحال بود . او فکر می کرد چه کند که فردا پیش از آمدن از دبستان دوستانش این اندازه گرسنه نمانند





جاهای خالی را با این واژه های پر کنید
کوچک- پایین- صدا

نَمَکی گفت اینقدر ----- نَگنید . حسنک بزودی می رسد
خروس هم از بالای دیوار..... پرید
اسمی که به پایان آن (ک) افزوده می شود معنی..... می دهد

با این کلمه ها جمله بسازید

یکسره

چرت

مشت

واژه های نو

یکسره = یک راست بدون اینکه در جایی بماند یا توقف کند

چرت زدن = خواب کوتاه - خواب ظهر

مشتی = به اندازه ای که در دست جا می گیرد

حنایی - به رنگ سرخ - حنا گیاهی است که برای رنگ کردن مو از آن استفاده می شود

کارخانه

به پسر کوچک گفته می شود
 به دختر کوچک گفته می شود
 به اتاق کوچک گفته می شود
 به شهر کوچک گفته می شود
 به بلندترین جای کوه می گویند
 به گنجشک کوچک می گویند

به این سوال ها جواب دهید

			س	پ	
ک			خ	د	
				ت	
	ک			ش	
ه			ک		ن
ک			ج		گ

آیا فکر می کنید که حیوان ها حسنک را دوست داشتند؟ چرا
 یک نقاشی از داستان حسنک بکشید و آن داستان را برای مادر و یا پدرتان و برای هم کلاس هایتان تعریف
 کن

با کمک یکدیگر یک داستان کوتاه برای این عکس ها درست کنید و برای
دوستانتان در کلاس بازگو کنید.





